

کالبدشکافی مؤلفه‌های فرهنگ در قلمرو آموزش و یادگیری دانشگاهی

احمد کیخا* غلامرضا ذاکر صالحی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، کالبدشکافی مؤلفه‌های فرهنگ در قلمرو آموزش و یادگیری دانشگاهی است. فرهنگ دانشگاهی مفهومی سیال و چندبعدی بوده، و شناخت آن مستلزم رویکردی جامع‌نگر و کل‌گرا است. پژوهش کیفی حاضر با استفاده از روش فراترکیب به‌طور خاص با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو تدوین شده است. یافته‌ها با تکنیک تحلیل مضمون استخراج و طبقه‌بندی شدند. در مجموع ۱۵۶ مضمون پایه‌ای احصاء شد، سپس در قالب ۲۹ دسته مضامین سازمان‌دهنده سطح دوم دسته‌بندی شدند، و در مرحله بعد جهت ترسیم مدل شبکه مضامین و ترکیب آن‌ها، ۲۹ دسته مضامین سازمان‌دهنده سطح دوم در هفت دسته مضامین سازمان‌دهنده سطح اول به این صورت تلفیق شدند: ۱- مؤلفه‌های سمبولیک (ارزش‌ها، آداب و رسوم، نمادها)؛ ۲- هویت‌بخشی (هویت‌بخشی به دانشگاه؛ هویت‌بخشی به جامعه دانشگاهیان، جامعه‌پذیری دانشگاهیان)؛ ۳- وجودی (چندبعدی بودن فرهنگ دانشگاهی، هنجارها، کثرت فرهنگ دانشگاهی، قاعده‌مندی، بازتولید فرهنگی)؛ ۴- آکادمیک (نظام یاددهی و یادگیری، کیفیت آموزش، استقلال و آزادی علمی، هم‌زیستی با اخلاق علمی، حکمرانی دانشگاهی)؛ ۵- علمی-معرفتی (هنجارهای علمی، توسعه علم، نوآوری و ارزش آفرینی)؛ ۶- ساختاری (صورت‌پذیری فرهنگ دانشگاهی، تعامل خرده فرهنگ‌ها، انطباق با پیچیدگی محیطی)؛ ۷- کنش‌گری (مشارکت اعضا، جهت‌دهنده به کار اعضا، تعاملات فرادانشگاهی، روابط دانشگاهیان، تسهیم دانش اعضا، اعتماد دانشگاهی، رشد حرفه‌ای). در پایان شبکه مضامین استخراج و ترسیم شد. فرآیند مطالعه اکتشافی حاضر نشان داد فرهنگ دانشگاهی بر هفت ستون پایدار تکیه زده است. هرچند میزان تأکید مؤلفان بر هر ستون برابر نیست اما هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی ناگزیر باید به همه این ارکان هم‌زمان توجه کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، تحلیل مضمون، دانشگاه، فراترکیب، فرهنگ دانشگاهی

* دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، پست الکترونیکی: ahmadkeykha@ut.ac.ir
** دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (نویسنده مسئول) پست الکترونیکی: rsalehi514@gmail.com

مقدمه

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای ساختاری چند بعدی و پیچیده هستند (وارگاس، لوسم، پروز، راندلز و توزولس^۱، ۲۰۱۹). با وجود این، از دیرباز عاملی برای تغییر و پیشرفت جهت تمدن‌سازی انگاشته می‌شدند (پیلوس^۲، ۲۰۱۶)؛ چراکه آن‌ها به مثابه یک نظام، بر دیگر نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه محاط هستند، که هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. از این رو، هر دانشگاهی دارای رسالت‌های جهان شمولی مانند تربیت علمی دانشجویان، توجه به رویکردهای چند رشته‌ای و میان رشته‌ای، گسترش آموزش مداوم و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و غیره است که لازم است به آن توجه شود (یمنی‌دوزی سرخابی، ۱۳۸۸). در این حین، آن آموزش عالی مؤثر و کارآمد تلقی می‌شود که بتواند متخصصانی مجرب مطابق با نیازها و اهداف جامعه پرورش دهد (پوگوداوا، ژاپارووا و افرمووا^۳، ۲۰۱۵)، و نقش مهمی را در انباشت سرمایه انسانی به ویژه برای کشورهای درحال توسعه ایفا کند (آلورادو، چانسل، پیکیتی، سائز و زوگمن^۴، ۲۰۱۸؛ ایچرگرین، پارک و شین^۵، ۲۰۱۳؛ لو و ژانگ^۶، ۲۰۱۹). این مهم حاصل نمی‌شود مگر در بستر فرهنگی که یک فضای واحد، نمادین و ارزشمند درونی را برای جامعه دانشگاهی ایجاد کند (سرینگ و سیزوا^۷، ۲۰۱۸). ایجاد بستر فرهنگی به این دلیل مهم است که از یک سو، جامعه‌شناسان، دانشگاه را نهاد اجتماعی دارای فرهنگ مستقل می‌دانند که مانند خانواده، اقتصاد، مذهب و سیاست، دارای باورها، ارزش‌ها و معیارهای خاص خود است. این معیارها الگوهای اخلاقی، کنش و منش افراد وابسته به این نهاد را تعیین می‌کنند و به اعضا آن می‌گویند چه چیز موجه، مقبول، پسندیده و مجاز است. بنابراین، فرهنگ دانشگاه چیزی جدای از الگوهای رفتاری معمول و متداول در جامعه است (احمدی، پسندیده و دهقان‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵). از دیگر سو، رسالت اصلی دانشگاه، پرورش انسان دانشگاهی، مولد، فرهیخته، توانمند، و به طور کلی افرادی است که به عنوان پیشتازان علم و فرهنگ جامعه عمل می‌کنند (مهدیه، همتی و ودادهیر، ۱۳۹۵: ۴۶).

در این جا، منظور از انسان دانشگاهی صرف دانشجوی، دانش‌آموخته یا مدرس دانشگاه بودن نیست، بلکه کسی است که بتواند ارزش‌ها، باورها و هنجارها، یا به تعبیر دقیق‌تر و جامع‌تر، فرهنگ دانشگاهی را در خود درونی سازد و هویت دانشگاهی را به مثابه هویتی مستقل، و متمایز از هویت‌های دیگر بیابد. انسان دانشگاهی کسی است که بتواند شیوه زندگی دانشگاهی را در دوران

¹. Vargas, Lawthom, Prowse, Randles, & Tzoulas

². Pielmus

³. Pogodaeva, Zhaparova, & Efremova

⁴. Alvaredo, Chancel, Piketty, Saez, & Zucman

⁵. Eichengreen, Park, & Shin

⁶. Lu & Zhang

⁷. Tsiring & Sizova

تحصیل و عضویتش در اجتماعات علمی و دانشگاهی بیاموزد، و چنان بر آن ممارست ورزد که آن شیوه زیستن، غالب بر زندگی، احساسات، عواطف و شخصیتش شود. انسان دانشگاهی انسانی است که مبارزه کردن برای اندیشیدن و فکر را پاره‌ای از وجود خویش می‌داند، و علم را به خودی خود ارزش تلقی می‌کند. انسان دانشگاهی انسانی حساس، مسئول و عاشق به معنای دقیق کلمه است. انسان دانشگاهی باید به مجموعه سرمایه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی مانند عادت به خواندن، نوشتن، گفتگو کردن و دیدن و شنیدن دست پیدا کند. انسان دانشگاهی باید آمادگی نقد کردن و نقد شدن را داشته باشد، و تفکر انتقادی را به مثابه شیوه‌ای از زیستن و نگرستن به ایزه‌های اطراف خود بیاموزد تا بتواند فکری مولد و زایا داشته باشد (فاضلی، ۱۳۸۷). چرا که دانشجویان در فضای دانشگاهی به‌طور فعالانه درون خود را به نمایش می‌گذارند، و در راستای شکل‌بخشی به هویت شخصی خویش گام بر می‌دارند (بیروزونسکی و کاک^۱، ۲۰۰۵). در کنار این، فضای آموزشی و دانشگاهی نوعی آگاهی انتقادی و تحلیلی را از مسائل اجتماعی در دانشجویان شکل می‌دهد، که می‌تواند پرورش هویت آن‌ها را تسهیل سازد ((آدامز، رایان و کیاتینگ^۲، ۲۰۰۰). تفکر انتقادی به فراگیران این امکان را می‌دهد تا از طریق تحلیل، تفسیر، ارزیابی و استدلال استنباطی قضاوت‌های مفیدی را انجام دهند (لوپز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹) در واقع، تفکر انتقادی به دانشجویان در دانشگاه‌ها علاوه بر پرورش هویت شخصی‌شان، به مثابه راهی برای بهبود مهارت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌هایشان به عنوان عضوی از یک جامعه جهانی کمک می‌رساند (بزانیلا، فرناندز-نگوئیرا، پابلیتی و گالیندو - دومین گوئز^۴، ۲۰۱۹؛ کرنشاو، هالی و هالپر^۵، ۲۰۱۱؛ مور^۶، ۲۰۱۳). همان‌گونه که شرح داده شد ریشه این‌گونه هویت‌بخشی‌ها در فضای ناپیدا به نام فرهنگ دانشگاهی قرار دارد. در بررسی مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در زمینه فرهنگ دانشگاهی، ممنون، عدلی و صمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش فرهنگ دانشگاهی در سهم‌سازی دانش میان اعضای هیئت علمی مطالعه موردی دانشگاه الزهرا به این نتیجه دست یافتند که، فعالیت‌های سهم‌سازی دانش میان اعضای هیئت علمی دانشگاه الزهرا ضعیف است، و مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی در محیط دانشگاه دارای ضعف‌های اساسی است، و مانع فعالیت‌های سهم‌سازی دانش هستند. امین مظفری، عباس‌زاده و رضایی فرهادآباد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با

^۱. Berzonsky & Kuk

^۲. Adams, Ryan, & Keating

^۳. López

^۴. Bezanilla, Fernández-Nogueira, Poblete, & Galindo-Domínguez

^۵. Crenshaw, Hale, & Harper

^۶. Moore

انواع فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه تبریز پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که فرهنگ مشارکت‌پذیر با ویژگی‌های بارزی همچون: تولید و تفسیر دانش، پژوهش‌های حمایت‌شده هیئت علمی، آزادی علمی دانشگاهی، امکان مطالعه استادان در حوزه تخصصی خود، تسلط عقلانیت و استقلال، فرهنگ حاکم بوده است. ذاکر صالحی و نظریان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی به این نتیجه دست یافتند که مضامین ذکر شده توسط دانشجویان، معرف عدم کنش‌گری آنان در عرصه تولید و مصرف علم، نبود تمایز جدی پردیس با سایر محیط‌های جوانان، ضعف سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها، عادات، آیین‌ها و دستاوردهای آکادمیک در زندگی دانشجویی است. ذوالفقارزاده، امیری و زارعی متین (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی، با بررسی مطالعات خارجی در عرصه فرهنگ دانشگاهی مبنای نظری اتکاء‌پذیری برای آثار داخلی فراهم ساختند، و زمینه را برای نظریه‌پردازی فراهم کردند. طبقه‌بندی آن‌ها به دو شکل: ۱- بر اساس موضوع مطالعه؛ در هفت‌گونه (گونه‌شناسی موضوعی)؛ ۲- بر اساس پیش‌فرض‌های نظری نسبت به مقوله فرهنگ در دانشگاه در سه گونه انسجام، تمایز و تقطیع (گونه‌شناسی فرانظری) ارائه شد. امیری، زارعی متین و ذوالفقارزاده (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان پیچیدگی‌های فرهنگ و گونه‌شناسی مطالعات آن در آموزش عالی، چارچوبی فرانظری، با استفاده از روش گونه‌شناسی ابتدا مطالعات فرهنگی در آموزش عالی را برحسب موضوع مطالعه و واکاوی، سپس در هفت‌گونه طبقه‌بندی کردند.

تیرنی و ساباروال^۱ (۲۰۱۷) (۲۰۱۷) به تحلیل فساد علمی، فرهنگ و اعتماد در آموزش عالی هند پرداختند و به نتیجه رسیدند که، با وجود آن‌که در مؤسسات آموزش عالی هند نیز مانند دیگر کشورهای دنیا فساد و تقلب علمی رخ می‌دهد، با استفاده از ایده فرهنگ دانشگاهی توانمند می‌توان با فساد علمی سیستماتیک، و چگونگی وقوع آن در بین جامعه دانشگاهیان مقابله کرد. داوان^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این مسئله پرداختند که فرهنگ دانشگاهی در کشور مالزی باعث رضایت خاطر یا ناامیدی جامعه دانشگاهیان است، و از طریق مصاحبه با ۶۷ نفر به این نتیجه رسیدند که منابع رضایت‌مندی شامل، نظارت، مشاوره، آموزش و تعامل با دانشجویان و انجام پژوهش و انتشار یافته‌ها است، و عوامل ناامیدی را چنین دسته‌بندی کردند، نحوه حکمرانی آموزش عالی ناشی از انتظارات غیرواقعی، شفافیت نداشتن نظام ارتقاء و پاداش‌دهی، وجود فرهنگ اداری بوروکراتیک قوی. نورین و آدیپ^۳ (۲۰۱۴) به واکاوی فرهنگ پژوهشی دانشگاه در دانشگاه‌های

^۱. Tierney & Sabharwal

^۲. Da Wan

^۳. Naoreen & Adeeb

دولتی پاکستان پرداختند، و مجموعاً شش شاخص برای فرهنگ پژوهش مطرح، و در بخش دوم با طراحی پرسش‌نامه در ۶ دانشگاه پاکستان به بررسی آن پرداختند، و به این نتیجه رسیدند که اعضای هیئت علمی نسبت به دانشجویان از فرهنگ پژوهشی دانشگاه رضایت بیشتری دارند. همچنین، مندوزا و برگر^۱ (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر سرمایه دانشگاهی بر فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های خصوصی آمریکا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که، اعضای هیئت علمی معتقدند یکپارچگی جامع فرهنگ دانشگاهی بر این بخش اثرگذار نخواهد بود، و آن‌ها حمایت‌های بخش صنعتی را به عنوان ابزاری برای ارتقاء کیفیت آموزش و پیگیری منافع دانشجویان می‌پندارند. اگر ساختار نظام آموزشی را در درون دانشگاه همچون بدنه و جسم دانشگاه بدانیم، فرهنگ دانشگاهی روح آن است. فرهنگ دانشگاهی همزاد دانشگاه است، زیرا رد پای آن در کهن‌ترین الگوهای آموزش عالی جهان از جندی شاپور تا دانشگاه پاریس و بلونیا، و سپس دانشگاه مدرن آلمانی در سرآغاز قرن ۱۹ مشهود است. فرهنگ دانشگاهی با دو مقوله اخلاق علم و آزادی علمی ارتباط محتوایی وثیقی دارد؛ از این رو، سخن گفتن از آن اهمیت زیادی دارد. اگر هنجارها و الزامات نهادی علم بخشی از فرهنگ تلقی شوند، این چارچوب بسیار وسیع خواهد بود؛ تا آنجا که مقررات و نظامات آموزشی و پژوهشی هم جزئی از آن تلقی می‌شوند. فرهنگ دانشگاهی متافیزیک این نهاد است، که فرآیند معناسازی^۲ و انتقال این معانی را تسهیل می‌کند. هرچند به اعتقاد نگارندگان خود آموزش نیز امری فرهنگی است. در غیبت و فقدان فرهنگ دانشگاهی این نهاد سرنوشت‌ساز به یک مرکز بروکراتیک، و در بهترین حالت به یک آموزش‌شکده تقلیل پیدا می‌کند. چرا که به اعتقاد یاسپرس^۳ (۱۹۶۰/۱۳۹۴) ایده دانشگاه تنها در قالب یک نهاد محقق می‌شود. نهاد رفتاری است دیرپا و قاعده‌مند و تکرار شونده. دانشگاه نهاد بوده، و دربردارنده یک رفتار فرهیختگی است که ریشه در دغدغه مشترک دانشگاهیان و دانشمندان دارد. نهادمندی دانشگاه مرهون فرهنگ خاص و متعالی آن است، زیرا این فرهنگ امری فردی نیست، بلکه در قالب تعاملات اجتماعی دانشگاهیان فرصت ظهور پیدا می‌کند. شناخت این نهاد در گرو فهم ابعاد پیچیده و وسیع این تعاملات است. تعاملاتی که رنگ و بوی فرهیختگی و فرهنگ، و به قول آلمانی‌ها بیلدونگ^۴ دارند. تنها در چارچوب حرفه و صنف و هیئت اجتماعی است که مصادیق فرهنگ دانشگاهی یکایک همچون آبخاری شفاف و روان جاری می‌شوند.

1. Mendoza & Berger

2. making meaning

3. Jaspers

4. bildung

یکی از وجوه بی‌توجهی به نهادهای آموزش عالی در مطالعات علم ایران، توجه نکردن به مقوله فرهنگ دانشگاهی به منزله اساس توسعه علمی است. از این منظر خاص، حل بحران علم مستلزم شناخت فرهنگ یادگیری، فرهنگ آموزش، فرهنگ سازمانی، مدیریت و فرهنگ رشته‌ای، و دیگر خرده فرهنگ‌های درون دانشگاه است. نقش فرهنگ دانشگاهی به منزله خرده فرهنگ مستقل با ویژگی‌های خاص خود، در روند توسعه علمی و عملکرد نظام آموزش عالی در ایران نه تنها در مطالعات آموزش عالی و علم پژوهی مغفول مانده است، بلکه این مفهوم در کل برنامه‌ها و استراتژی‌های آموزش عالی کشور نیز چندان شناخته شده نیست (فاضلی، ۱۳۸۲). در مجموع، عواملی که در آموزش عالی ایران به شکل‌گیری فرهنگ دانشگاهی ناقص دامن می‌زنند شامل:

- ۱- پارادوکس ثبات و تغییر؛ ۲- تعارض و شکاف نسلی استادان؛ ۳- تنش بین سه فرهنگ علمی؛ مدیریتی و اپراتوری (کارمندی) در دانشگاه؛ ۴- پیروی از الگوی آموزش عالی ناپلئونی و فرانسوی؛
- ۵- سیال بودن هر دو مفهوم فرهنگ و ایده دانشگاه ۶- وجود فرهنگ دانشجویی با دغدغه‌های غیر آکادمیک؛ و ۷- فهم ناقص از ایده دانشگاه است (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷). از این رو، دلایل پرداختن به مقوله فرهنگ در آموزش عالی را می‌توان این‌گونه بر شمرد: ۱- اساسی‌ترین مفهوم؛ درک و فهم دانشگاه‌ها به عنوان مؤسسه‌های فرهنگی؛ ۲- تلقی فرهنگ به عنوان یک تنوع فرهنگی در دنیای دانشگاهی؛ ۳- وجود ارتباط پدیده فرهنگی یا روان‌شناختی؛ معرفت‌شناختی و بحث فلسفی بر روی ذات و سرشت علم و دانش (نصیری، یعنی دوزی سرخابی و حقانی، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

به همین دلیل، امروزه اگر می‌بینیم اقتدار اخلاقی و هژمونی آکادمی رو به افول رفته است علت آن را باید در سه‌سخت شدن پایه‌های فرهنگ دانشگاهی جستجو کرد. لذا، با توجه به اهمیت فرهنگ دانشگاهی و نقش آن در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های آموزش عالی، و با عنایت به محدود بودن ادبیات موضوع در کشور، هدف از پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی، با رویکرد کیفی در حوزه فرهنگ دانشگاهی جهت بازآفرینی چارچوب مفهومی جامع است.

واژه‌شناسی

فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. این تفاوت و تنوع گسترده، از یک سو از دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت پژوهشگران نشئت می‌گیرد، و از سوی دیگر بر پیچیدگی و سیال بودن زندگی اجتماعی دلالت دارد. فرهنگ در وسیع‌ترین معنی کلمه، به دو شیوه تفسیر می‌شود، یکی به عنوان کردارها و آدابی که تشکیل‌دهنده خود واقعیت اجتماعی هستند، و دیگری به عنوان چیزی که در گذشته، حوزه مجزایی از جامعه بوده، و اکنون وارد همه جنبه‌های زندگی اجتماعی

شده است (نش، ۱۹۵۸/۱۳۸۳). آشوری (۱۳۵۷) تعاریف مربوط به فرهنگ را دسته‌بندی کرده است که به‌طور خلاصه این تعاریف در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از تبارشناسی تعاریف فرهنگ از نقطه نظر آشوری (۱۳۵۷)

ردیف	دیدگاه	گزاره‌های تعریفی
۱	تعاریف تشریحی	تایلور (۱۸۷۱): فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد. ویلسر (۱۹۲۰): فرهنگ تمامی کارکردهای اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن، مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب، صناعات، هنر و جز آن و... است. بدیکت (۱۹۲۹): فرهنگ کلیت هم‌تافته‌ای از تمامی عاداتی است که آدمی همچون عضوی از جامعه فرا گرفته است.
۲	تعاریف تاریخی	سایپر (۱۹۲۱): فرهنگ یعنی مجموعه مرتبطی از کردارها و باورها، که از راه جامعه به ارث رسیده، و بافت زندگی ما را تعیین می‌کند. مایرس (۱۹۲۷): فرهنگ آن چیزی است که از گذشته آدمیان بازمانده است، در اکنون ایشان عمل می‌کند و آینده‌شان را شکل می‌دهد. پارسونز (۱۹۴۹): فرهنگ عبارت است از آن الگوهایی که به رفتار و فرآورده‌های عمل بشری مربوط است و می‌تواند به ارث برسد؛ یعنی بدون دخالت ژن‌های زیستی از نسلی به نسلی فرا داده می‌شود.
۳	تعاریف هنجاری	بوگاردوس (۱۹۳۰): فرهنگ مجموع راه و رسم‌های عمل و اندیشه‌های یک گروه اجتماعی در گذشته و حال است، و عبارت است از مجموع قراردادها یا باورها و نیز رسوم و رویه‌های رسیده از نسل پیشین. لیبتون (۱۹۴۵): فرهنگ یک جامعه راه و رسم زندگی اعضای آن است، همچنین مجموعه تصورات و عاداتی است که می‌آموزند، و در آن‌ها با یکدیگر سهیم‌اند، و از نسلی به نسلی فرا می‌دهند.
۴	تعاریف روان‌شناختی	فورد (۱۹۴۲): فرهنگ عبارت است از راه‌های قراردادی حل مسائل، و مرکب است از پاسخ‌هایی پذیرفته شده؛ زیرا با موفقیت رو به رو بوده‌اند. یانگ (۱۹۴۲): فرهنگ متشکل است از تصورات، نگره‌ها، عادت‌های مشترک و کمابیش یکسان شده‌ای که، در جهت برآوردن نیازهای بازگردنده و همیشگی آدمی پرورنده شده است.
۵	تعاریف ساختی	ویلی (۱۹۲۹): فرهنگ سیستمی است از الگوهای عادت‌های پاسخ‌گویی که با یکدیگر همبسته و هم‌پشت هستند. کلاکن و کلی (۱۹۴۵)، فرهنگ سیستمی است از طرح‌های پایدار و ناپایدار برای زندگی که از تاریخ سرچشمه می‌گیرد، و همه یا اعضای معینی از یک گروه در آن مشارکت دارند.
۶	تعاریف تکوینی	ویلی (۱۹۲۷): آن بخشی از محیط که بشر خود آفریده است، و باید خود را با آن سازگار گرداند. سوروکین (۱۹۳۷): فرهنگ، در گسترده‌ترین معنای کلمه مجموع چیزهایی است که با کارکردهای آگاهانه یا ناآگاهانه دو تن یا بیشتر، که با یکدیگر سروکار دارند و رفتار یکدیگر را مشروط می‌کنند، آفریده یا دگرگون می‌شود.

فرهنگ دانشگاهی

شروع مطالعات فرهنگ دانشگاهی را می‌توان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی هم‌زمان با مطالعات دانشمندان علوم اجتماعی به ویژه مدیریت در حوزه فرهنگ سازمانی مشاهده کرد. به طوری که مقوله فرهنگ دانشگاهی از این دهه به بعد به عنصری حیاتی در مدیریت آموزش عالی تبدیل می‌شود (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). فرهنگ دانشگاهی در فضای معنایی و نمادین خود، روال‌ها، قواعد، الگوهای اجتماعی و تعاملی متمایزی را پرورش می‌دهد، که حتی به صورت‌های آیینی و مراسمی ظاهر می‌شوند. برای مثال استقلال و آزادی علمی از جمله معانی و ارزش‌های مشترک فرهنگ دانشگاهی است، همان گونه که عام‌گرایی، شک سازمان یافته، اشتراک در علم و

بی‌طرفی عاطفی از قواعد هنجاری آن است. فرهنگ دانشگاهی را می‌توان الگوی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفتارها، مصنوعات و تمامی مقولات معناداری دانست که، افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند، و در دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۹۹). به سخی دیگر، فرهنگ دانشگاهی نیرویی است که اعضای خود را به هم پیوند می‌دهد، و به عملکرد آن‌ها معنی و جهت می‌بخشد، و رفتار آن‌ها را با ارزش‌های حاکم بر این فضای علمی هماهنگ می‌کند (زاهدی‌اصل، ۱۳۸۸ نقل از ممنون و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱). ما سن^۱ منشأ توجه به مفهوم فرهنگ در میان پژوهشگران عرصه مطالعات آموزش عالی را در سه قلمرو چکیده‌سازی می‌کند: منشأ نخست به ابتکار کلارک با عنوان حماسه‌های سازمانی باز می‌گردد؛ منشأ دوم در واکنش به اثبات‌گرایی منطقی و روش‌های کمی انجام شده است و منشأ سوم ناظر بر رشد مفاهیم مدیریتی و سیاسی در حیطه آموزش عالی است (امیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). فرهنگ دانشگاهی، نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کند، و از قدرت خاصی برخوردار است، و وظایف گوناگونی برعهده دارد که از جمله می‌توان گفت: الف) فرهنگ دانشگاهی تعیین‌کننده مرز سازمانی؛ ب) به وجود آورنده نوعی احساس هویت در اعضای دانشگاهی است؛ پ) فرهنگ دانشگاهی باعث می‌شود که افراد نوعی تعهد نسبت به چیزی به وجود بیاورند که بسیار با اهمیت‌تر از منافع شخصی است؛ بنابراین تعهد گروهی را افزایش می‌دهد؛ ت) فرهنگ دانشگاهی موجب ثبات و پایداری سیستم دانشگاه می‌شود چرا که سبب پیوستگی اعضا به یکدیگر می‌شود؛ ث) فرهنگ یک عامل کنترل‌کننده محسوب می‌شود؛ که سبب شکل دادن به نگرش‌ها، باورها و رفتار اعضا می‌شود، و حدود و ثغور آن را تعیین می‌کند؛ ج) فرهنگ دانشگاه تأثیر بسیار زیادی بر کارکردهای دانشگاه دارد و کارایی و بهره‌وری آن را تعیین می‌کند (یمنی‌دوزی سرخابی، ۱۳۸۸). در ادامه دسته‌بندی روندها و جهت‌گیری‌های جهانی فرهنگ دانشگاهی در جدول‌های ۲ و ۳ ارائه می‌شود.

^۱. Massen

کالبدشکافی مؤلفه‌های فرهنگ در قلمرو آموزش و یادگیری دانشگاهی ۲۳۱

جدول ۲. جهت‌گیری‌های جهانی فرهنگ آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها بر پایه الگوهای جهانی آموزش و یادگیری

الگوی دانشگاهی	جهت‌گیری فرهنگ آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها	منابع
ناپلونی	فرهنگ آموزشی و پژوهشی در جهت حفظ دیوان سالاری دولتی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سیستم، تولید و مبادله دانش فنی و ابزاری از رهگذر آموزش و پژوهش، سیطره ارزش‌های دولتی بر کارکردهای دانشگاهیان، ضعف استقلال نهادی و آزادی آکادمیک در فرهنگ دانشگاهی	ذاکرسالحی (۱۳۹۶)
هومبولتی	جهت فرهنگ دانشگاهی به سمت پژوهش، و کندوکاو حقیقت با تأکید بر آزادی، رهبری تحولات فرهنگی و اجتماعی در جامعه از طریق دانشگاه‌ها، استقلال دانشگاه‌ها، وجه پررنگ فرهنگ دانشگاهی، فرایند محور بودن تعلیم و یادگیری به جای محصول محوری، وحدت آموزش و پژوهش	ذاکرسالحی (۱۳۹۶)
آکسپریجی	فرهنگ دانشگاهی با تأکید بر مسئولیت اجتماعی، تهذیب و پرورش منش، مراعات هنجارهای علمی و قداست دانشگاه، رشد شخصی و تعالی معنوی دانشجویان، تحقیقات گروهی، نقادی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، تأکید بر مهارت حل مسئله، عادت‌های کاری، نظم و دقت آموزش‌های مهارت محور و کاربردی، مبتنی بر فلسفه پراگماتیسم، ابزارگرایی و فایده‌گرایی، آموزش و پژوهش سودمند، پیوند نزدیک با جوامع محلی و درهم‌تنیدگی اقتصاد با دانشگاه‌ها	ذاکرسالحی (۱۳۹۶) والاس ^۱ (۲۰۰۰)

جدول ۳. روندها و جهت‌گیری مطالعات فرهنگ دانشگاهی در جهان (والیما و لیجوجکی، ۲۰۰۸)

جهت‌گیری	مؤلف/ پژوهشگر	جغرافیایی مطالعه
مطالعات فرهنگی در تحقیقات آموزش عالی	جوس والیما	فنلاند
فرهنگ دانشگاهی به مثابه نوعی فرهنگ سازمانی	ویلیام جی. تیبرنی راجانی نایدو	آمریکا انگلستان
فرهنگ دانشگاهی به مثابه جهانی شدن و رقابت	دیوید هافمن، جوسی ویلما و میراهوسکو	فنلاند
فرهنگ رشته‌ای	آملیا ویگا و آلبرتو امارال	پرتغال
هنجارهای علم	جیمز فیروذر و کارن پولسون	آمریکا
هویت‌های دانشگاهی	رابرت مرتون جووانو نانین و تارخانوتیلا مارتین بنینگ هوف و فیلیپ سورمانی	انگلستان فنلاند سوئیس
	کریستین موسلین و واله‌ی باکت	فرانسه

^۱. Wallace

^۲. Valimaa & Ylijoki

سنخ‌شناسی فرهنگ دانشگاهی

همه کشورهای امروزه در تلاش هستند تا مطابق اصول و روش‌های غربی، علم را تولید، اشاعه و انتقال دهند. این امر در حالی است که فرهنگ دانشگاهی در همه کشورهای یکسان نیست، و در مواردی فرهنگ آن‌ها با فرهنگ دانشگاهی غرب ناسازگار است. گالتونگ این تفاوت‌ها را به نحوی مختصر و طبقه‌بندی شده در بررسی کلاسیک و مشهور خود نشان داده است، و معتقد است هر جامعه‌ای دارای فرهنگ دانشگاهی و سبک‌های فکری متناسب با نظام اجتماعی خود است، و این فرهنگ‌ها، هر کدام فرهنگ یادگیری، آموزش و پژوهش خاصی دارند. بر این اساس، گالتونگ^۱ (۱۹۸۱) چهار نوع فرهنگ دانشگاهی را از هم متمایز می‌سازد: ۱- فرهنگ ساکسونیک؛ ۲- فرهنگ تیوتونیک؛ ۳- فرهنگ گالیک؛ ۴- فرهنگ نیپونیک. در جدول ۴ نوع‌شناسی فرهنگ دانشگاهی از منظر گالتونگ ارائه شده است.

جدول ۴. نوع‌شناسی فرهنگ دانشگاهی (گالتونگ، ۱۹۸۱)

مؤلفه	ساکسونیک	تیوتونیک	گالیک	نیپونیک
تجزیه و تحلیل پارادایم‌ها	ضعیف	قوی	قوی	ضعیف
توصیف‌کننده: تولید گزاره‌ها	بسیار قوی	ضعیف	قوی	قوی
توضیح شکل‌گیری نظریه	ضعیف	خیلی قوی	خیلی قوی	ضعیف
توجه به تفسیر دیگر روشنفکران:				
پارادایم‌ها، نظریه‌ها و گزاره‌ها	قوی	قوی	قوی	خیلی قوی

برگ کوئیست^۲ نیز در کتاب خود با عنوان تعامل شش فرهنگ دانشگاهی به معرفی و تشریح شش فرهنگ دانشگاهی می‌پردازد که در ادامه به هر کدام از این تعامل‌ها پرداخته می‌شود (امین‌مظفری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). در جدول ۵ شش فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه برگ کوئیست تشریح شده است.

^۱ Galtung

^۲ Bergquist

جدول ۵. شش فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه برگ‌کوئیست

فرهنگ	شرح و توصیف
فرهنگ مشارکت‌پذیر ^۱	<p>این فرهنگ عمدتاً در نظام‌هایی که توسط اعضای هیئت علمی اداره می‌شوند معنا می‌یابد که ارزش پژوهش اعضای هیئت علمی، بورس تحصیلی با فرایندهای شبه‌سیاسی استادان در این فرهنگ با هم در یک ردیف قرار می‌گیرند. همچنین، در این فرهنگ فرضیاتی در مورد تسلط عقلانیت در سازمان ارائه می‌شود، و سرمایه‌گذاری اولیه سازمان را به عنوان تولید، تفسیر، اشاعه اطلاعات و رشد دانش و توسعه ارزش‌های خاص و ویژگی‌های شخصیتی در میان زنان و مردان جوان تلقی می‌کند، که رهبران آینده جامعه هستند. اعضای هیئت علمی در فرهنگ مشارکت‌پذیر وظیفه سختی بر عهده دارند، که چگونه در مورد تأثیرگذاری، ارزش کوشش‌ها و تلاش‌های جزئی و کلی مانند تحقیق اساسی، خدمت‌رسانی به دیگران، و به‌خصوص تدریس در کلاس قضاوت کنند. اعضای هیئت علمی وسوسه می‌شوند تا در هر جایی در جستجوی شاخص‌های روشنی از موفقیت و کیفیت باشند، حتی اگر این شاخص‌ها به نظر جزئی و بسیار ناچیز باشند.</p>
فرهنگ مدیریتی ^۲	<p>این فرهنگ مفهوم اصلی خود را در سازمان‌دهی، اجرا و ارزیابی کار می‌یابد، و مستقیماً به سمت اهداف مشخصی در حرکت است و به مسئولیت‌های مالی و مهارت‌های نظارتی مؤثر بها می‌دهد، نظریاتی در مورد ظرفیت مؤسسه برای تعریف روشن و سنجش اهداف خود ارائه می‌کند، و مؤسسه را به عنوان محل انتقال دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های خاص در دانشجویان تصور می‌کند؛ به این منظور که شهروندان موفق و مسئولی باشند. در فرهنگ مدیریتی حدود اختیارات باید روشن شده باشد، و به صورت رسمی به امضای مدیران مؤسسه رسیده باشد، که وظیفه کنترل وظایف مدیریتی و برنامه‌ریزی دانشکده را برعهده دارند. در فرهنگ مدیریتی، نتایج آموزشی می‌تواند آشکارا مشخص شده باشد، و معیارهایی برای قضاوت در مورد عملکرد تعیین شده، به کار گرفته شوند. اگر اعضای هیئت علمی در مدیریت مالی و مدیریت کارکنان موفق شوند، که اغلب نقش رئیس بخش را بر عهده دارند، می‌توانند به رهبران با نفوذی تبدیل شوند. دانشگاهیان در این فرهنگ فکر می‌کنند که بهترین روش برای تأثیرگذاری بر سایر مؤسسات از طریق ورود به موضع اداری آن‌ها امکان‌پذیر است. معمولاً این اعضای هیئت علمی در فرآیندهای اداری هیئت علمی خللی وارد نمی‌کنند، و فکر می‌کنند که این فرآیندها کم‌بازده و وقت‌گیر هستند.</p>
فرهنگ توسعه ^۳	<p>فرهنگی است که اساساً با تولید برنامه‌ها و فعالیت‌ها معنا می‌یابد، که این برنامه‌ها و فعالیت‌ها موجب رشد شخصی و حرفه‌ای تمام اعضای آموزش عالی می‌شوند. این فرهنگ به صداقت شخصی و خدمت‌رسانی به دیگران به همان اندازه تحقیق سازمانی منظم و برنامه‌های درسی بها می‌دهد، و نیز فرضیاتی در مورد تمایل ذاتی تمامی مردان و زنان را ارائه می‌دهد، که در مورد رسیدن به بلوغ شخصی خودشان است، و به سایر افراد سازمان کمک می‌کنند تا بالغ شوند و مؤسسه سازمانی را به عنوان مشوقی برای بلوغ شناختی، عاطفی و رفتاری میان تمامی دانشجویان، اعضای هیئت علمی، مدیران و کارکنان تصور می‌کنند.</p>
فرهنگ وکالتی ^۴	<p>این فرهنگ اساساً در اجرای سیاست‌های تساوی‌طلبانه در مورد توزیع منافع و منابع در مؤسسه معنا می‌شود، و به معاملات منصفانه میان مدیریت، هیئت علمی و کارکنان بها می‌نهد. فرهنگ وکالتی در پاسخ به فرهنگ مدیریتی برای ارضای نیازهای شخصی و مالی هیئت علمی و کارکنان به وجود آمده است، و اگر مدیران دانشگاه به گونه‌ای عمل کنند که سیاست‌های سازمانی بر دانشگاه تحمیل کنن؛ در این صورت اعضای هیئت علمی مجبور خواهند شد تا نفوذ خود را دوباره از طریق عملکرد جمعی نشان دهند. عضو هیئت علمی در فرهنگ وکالتی بر این باور است که تغییر از طریق مواجهه و استفاده مؤثر (و یا استفاده مفید) از منابع ارزشمند حاصل می‌شود.</p>

1. collegial culture

2. managerial culture

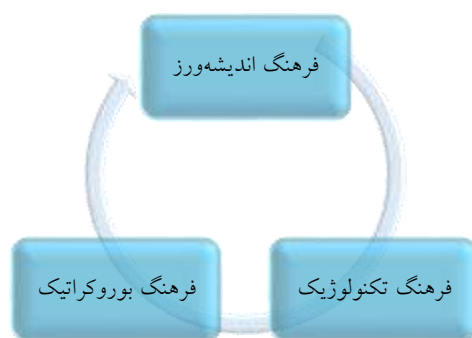
3. developmental culture

4. advocacy culture

فرهنگ مجازی^۱ فرهنگ مجازی فرهنگی است که با پاسخ‌گویی به تولید دانش و نیز پراکنده‌سازی ظرفیت دنیای پست‌مدرن معنا می‌یابد. این فرهنگ به دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای جهانی در مورد سیستم‌های آموزش، باز، مشترک و پاسخ‌گو ارزش قائل است، و فرضیاتی در مورد توانایی آن‌ها برای پراکندگی و ابهام ارائه می‌دهد، که در جهان پست مدرن وجود دارد. همچنین، این فرهنگ کار آموزش را پیوند منابع آموزش آن به منابع جهانی و تکنولوژی تصور می‌کند که موجب گسترش شبکه آموزش جهانی می‌شود.

فرهنگ ملموس^۲ فرهنگ است که در اصول جامعه و اساس معنوی آن معنا می‌یابد، و به قابلیت پیش‌بینی بر اساس ارزش و آموزش چهره به چهره در موقعیت فیزیکی ارجح می‌نهد. این فرهنگ فرضیاتی در مورد توانایی سیستم‌ها و تکنولوژی‌های جدیدی ارائه می‌دهد، که می‌توانند ارزش‌های مؤسسه را حفظ کنند، و نیز دیدگاه موضعی کار مؤسسه را کاری محترم و با ارزش و نیز فراخوانی کلی برای یادگیری تصور می‌کند.

ذاکر صالحی (۱۳۹۷) بر این باور است که فرهنگ دانشگاهی پیوند مستحکمی با ایده دانشگاه دارد. از این رو، اگر بخواهیم تبارشناسی ساده‌ای از فرهنگ دانشگاهی ترسیم کنیم، باید به‌طور معمول سه فرهنگ اندیشه‌ورز، تکنولوژیک و بوروکراتیک را در ادبیات شناسایی کرد. در نگاره ۱ تبارشناسی فرهنگ دانشگاهی بیان شده است.

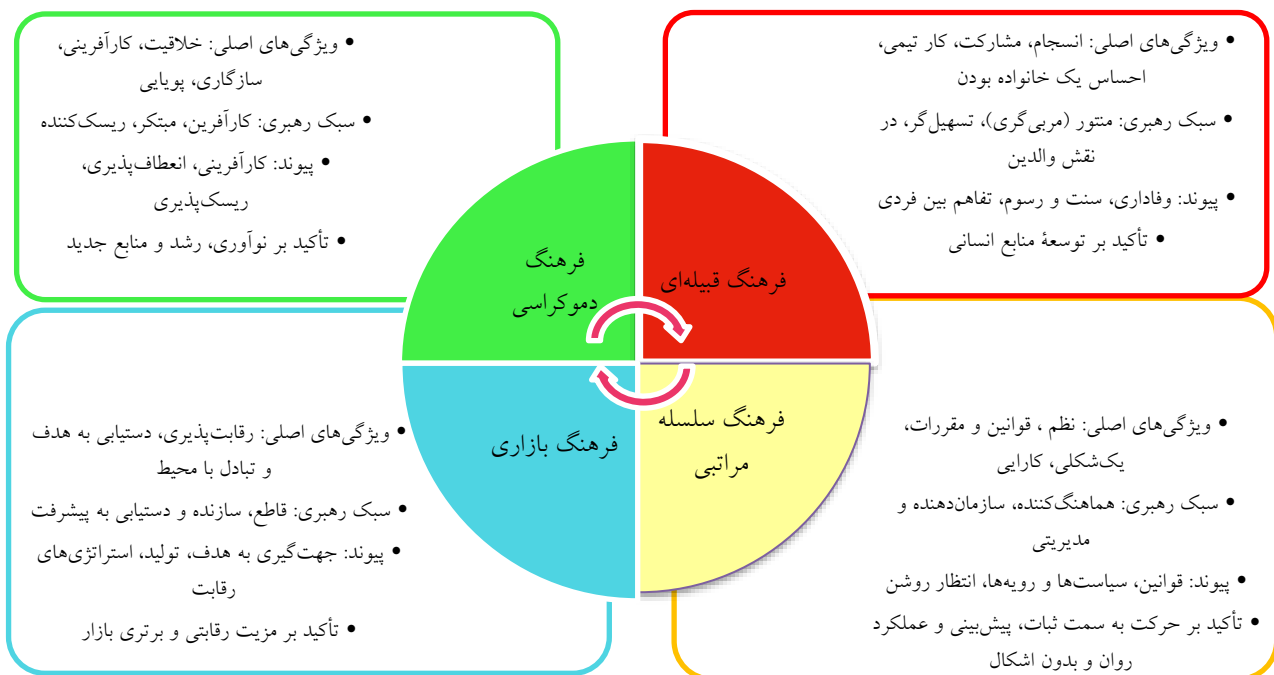


نگاره ۱. تبارشناسی فرهنگ دانشگاهی (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷)

در دسته‌بندی دیگر، چهار نوع فرهنگ دانشگاهی مطرح شده است: ۱- فرهنگ کالجی^۳: نتایج در سازمان‌هایی با این فرهنگ بر اساس توافق عمومی حاصل می‌شود. بنابراین، افراد می‌توانند با یکدیگر مشورت کنند، و آن‌ها از نفوذ درخور توجهی در ارائه پیشنهادها، برای تغییر با توجه به حق‌اپوزیسیون که به آن‌ها داده شده است برخوردار هستند. در واقع، در این فرهنگ یک مدیریت فراکنشی وجود دارد، و تغییر به دلیل قدرت تجدید نظر، اجماع و سازش رخ می‌دهد؛ ۲- فرهنگ بوروکراسی^۴، این فرهنگ بر پایه اجماع عمومی در کمیته‌ها و تسلط قدرت رویه‌ها حاصل می‌شود. لذا در این سازمان‌ها لزوماً سیاست‌ها روشن نیستند، بلکه بر رویه‌های عملی و اصول کلی متکی‌اند که شرایط رفتاری را شکل می‌دهند؛ از این رو، مدیران به قوانین و مقررات تکیه می‌کنند و در عمل

1. virtual culture
2. tangible culture
3. collegium
4. bureaucracy

مدیریتی متمرکز بر برنامه کاری، گزارش نویسی و کنترل جریان اطلاعات حاکم است (پیلیموس، ۲۰۱۶؛ ۳) فرهنگ مشارکتی^۱: این فرهنگ اجازه کنترل و سازماندهی را به جامعه دانشگاهیان می‌دهد و در آن تیم‌های کاری انعطاف‌پذیر و پویا در کمیته‌هایی با تعداد کم مدیران تحت نظارت قرار دارند. از مزایای این فرهنگ برخورداری از رهبران تحول‌گرا، کارزماتیک، نوآور و چشم‌انداز محور است؛ ۴) فرهنگ شرکتی^۲: مشخصه این فرهنگ دانشگاه‌هایی هستند که اهداف خود را به سمت محیط بیرونی (ذی‌نفعان و جامعه) هدایت می‌کنند. در این نوع فرهنگ، اهداف سازمانی عمدتاً بر اجماع بین عمل و سیاست‌ها با تأکید بر اطلاعات مربوط به بازار و سیستم‌های درونی مدیریت اطلاعات مشخص می‌شود. همچنین، این فرهنگ بر اهداف تجاری متمرکز شده است (پیلیموس، ۲۰۱۶). در گونه‌شناسی دیگر لاکاتوس^۳ (۲۰۱۳) و ایگو و اسکیتمور^۴ (۲۰۰۶) فرهنگ را در چهار بعد بخش‌بندی می‌کنند که این گونه‌شناسی در نگاره ۲ بیان شده است.



نگاره ۲. ماتریس چهار بعدی فرهنگ (با اقتباس از لاکاتوس، ۲۰۱۳؛ ایگو و اسکیتمور، ۲۰۰۶)

1. corporation

2. enterprise

3. Lacatus

4. Igo & Skitmore

روش پژوهش

پژوهش کیفی حاضر با استفاده از روش فراترکیب، و به طور خاص راهبرد هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) تدوین شده است. بنابراین، در مرحله نخست، پرسش پژوهش (مؤلفه‌های فرهنگ در قلمرو آموزش و یادگیری دانشگاهی کدام‌اند؟) بیان شد. در مرحله دوم، مرور نظامند متون انجام شد بنابراین، کندوکاو و جستجوی مقالات در بازه زمانی (۱۳۸۲-۱۳۹۷) در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، مگیران و انسانی با کلید واژه‌های: فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ آکادمیک، فرهنگ و آموزش عالی انجام شد. در مرحله سوم، جستجو و انتخاب مقالات مناسب در این زمینه، حدود ۶۰ مقاله در جستجوی اولیه یافت شد. پس از بررسی مقالات در مجموع ۲۰ مقاله برای تحلیل محتوا گزینش شدند، و مابقی نگاشته‌ها به دلیل عدم تناسب موضوعی، تکراری بودن و ضعف اعتبار سایت منتشرکننده و یا نداشتن اعتبار علمی مجله از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. مرحله چهارم، استخراج اطلاعات مقاله بود، که اطلاعات مقالات گزینش شده خلاصه‌برداری و مفاهیم کلیدی آن‌ها استخراج شد، که به دلیل رعایت ایجاز و اختصار نویسی از آوردن این جداول خودداری گردید. مرحله پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها بود. بنابراین، آثار و متون علمی با استفاده از روش تحلیل مضمون که می‌توان آن را در زمره شناخته شده‌ترین تکنیک فراترکیب قرار داد، تحلیل شد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است، و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (خان‌محمدی، واعظی و دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳).

روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرایند کدگذاری است. مضمون یا تم بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق است، و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد، لذا مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده بررسی شده است (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۳). در این راستا، شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، این مضامین را نظامند می‌کند: ۱- مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ ۲- مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛ ۳- مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). سپس این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. در واقع، شبکه مضامین به عنوان رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست، بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است (عابدجعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخزاده، ۱۳۸۹). مرحله ششم، کنترل کیفیت یافته بود که به طور کلی، اعتباربخشی معیارهای ارزیابی پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل مضمون با

معیارهای پژوهش‌های کیفی تفاوت چندانی ندارد. استراوس و کوربین (۱۹۹۴) هفت معیار را برای ارزیابی پژوهش کیفی در نظر گرفته‌اند، که پارکر و رافی (۱۹۹۷) این هفت معیار را در چهار معیار اولیه گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) توزیع کردند: ۱) تطبیق: آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده‌اند؟ ۲) قابلیت فهم: آیا مفاهیم تشخیص داده می‌شوند و به شکلی نظامند به هم مرتبط می‌شوند؟ آیا پیوندهای مفهومی وجود دارد و مقوله‌ها به خوبی تدوین شده‌اند؟ ۳) قابلیت تعمیم: آیا نظریه به صورتی تولید شده که تغییر شرایط متفاوت را در برگیرد؟ آیا شرایط کلانی که ممکن است بر پدیده مطالعه شده اثر بگذارند تشریح شده‌اند؟ ۴) کنترل: آیا برای پرسش تغییر فرآیندی، فکری شده است؟ آیا یافته‌های نظری با اهمیت به نظر می‌رسند؟ (کمالی، ۱۳۹۷). برای اعتبار بخشی به یافته‌های این پژوهش از دو راهبرد استفاده شده است: نخست، بازبینی توسط همکار، بدین صورت که پس از انجام کدگذاری مفاهیم، این مفاهیم و دسته‌بندی آن‌ها توسط همکار پژوهشی به طور مداوم بازبینی و اصلاح می‌شد، و دوم) انتخاب هدفمند مقالات بدون سوگیری در بازه زمانی ۱۵ ساله، پژوهشگران تلاش کردند که مراحل جستجو و شناسایی منابع صحیح باشد، و منابع شناسایی شده مرتبط با فرهنگ دانشگاهی به طور دقیق مطالعه، و تجزیه و تحلیل شد. مرحله هفتم، ارائه یافته‌ها بود که در جدول ۶ آورده شدند، و یافته‌های این جدول به صورت کمی شده، برای تعیین نقش هر یک از مضامین سازمان‌دهنده در نگاره ۳ ترسیم شدند، و در نهایت یافته‌های این جدول در قالب مدل شبکه مضامین در نگاره ۴ به تصویر کشیده شدند.

یافته‌ها

در جدول ۶ روند تبدیل جملات کلیدی مقالات به مضامین پایه، سپس به مضامین سطح دوم که با ادغام مضامین سطح دوم منجر به شکل‌گیری مضامین سازمان‌دهنده سطح اول شده‌اند؛ نشان داده شده است.

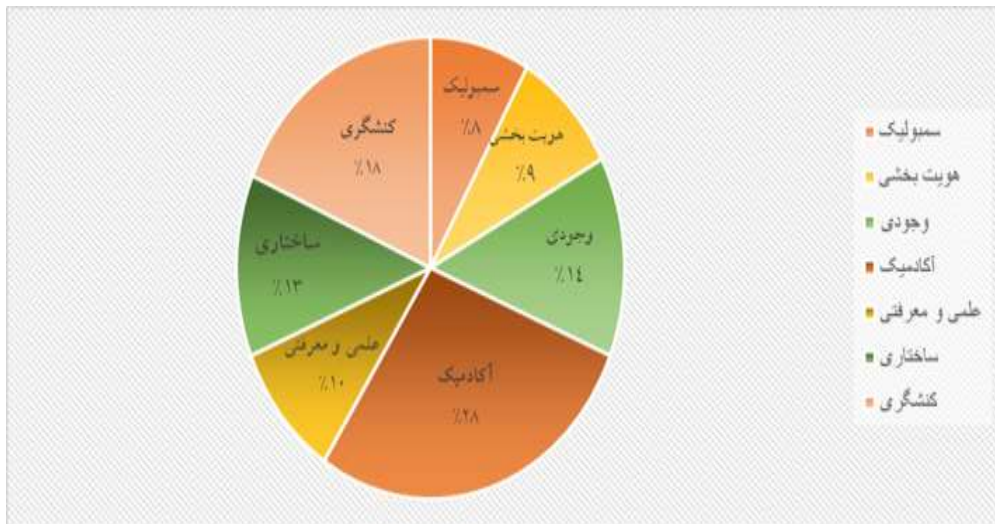
جدول ۶. مضامین حاصل از یافته‌های پژوهش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده		فراوانی
	سطح اول	سطح دوم	
فرهنگ دانشگاهی	فرهنگ دانشگاهی مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک (کد ۱)/ قواعد فرهنگ دانشگاهی به فراخور ارزش‌های دانشگاهی (کد ۲)/ نقش آیین‌های دانشگاهی در انتقال و درونی‌سازی ارزش‌های دانشگاهی (کد ۲)/ فرهنگ متشکل از نظامی از ارزش‌ها (کد ۳)	ارزش‌ها	۴
	فرهنگ دانشگاهی دربردارنده آداب و رسوم خاص (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی دربردارنده آداب و رسوم مشترک (کد ۲)/ تکریم دانشگاهیان از ارکان اصلی فرهنگ دانشگاهی (کد ۲)/ آیین‌های دانشگاهی استراتژی تقویت فرهنگ دانشگاهی (کد ۲)/ نقش آیین‌های دانشگاهی در انتقال و درونی‌سازی ارزش‌های دانشگاهی (کد ۲)	آداب و رسوم	۵
	فرهنگ دانشگاهی دارای نمادهای خاص (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی دربردارنده جای‌گذاری نمادهای عینی و ملموس در زندگی دانشگاهیان (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی متمرکز بر ابعاد غیر عقلانی و نمادین دانشگاهی (کد ۱۱)/ فرهنگ دانشگاهی دارای ابعاد ذهنی و عینی (کد ۱۳)	نمادها	۴
	فرهنگ دانشگاهی تعیین‌کننده مرزها و قلمرو اجتماع علمی (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی متمایزکننده مرزها و قلمروها (کد ۱۶)/ فرهنگ دانشگاهی ابزاری جهت افزایش رقابت‌پذیری (کد ۱)/ فرهنگ دانشگاهی متمایزکننده هویت و مرزهای دانشگاه‌ها (کد ۲)	هویت‌بخشی به دانشگاه	۴
	فرهنگ دانشگاهی شکل‌دهنده انسان آکادمیک (کد ۲)/ هویت دانشگاهی هویت متمایز (کد ۲)/ معماری دانشگاه‌ها انتقال‌دهنده عناصر فرهنگ دانشگاهی به ضمیر دانشگاهیان (کد ۲)/ هویت دانشگاهی بستر ساز پیشرفت و رشد علمی (کد ۱۶)/ فرهنگ دانشگاهی هویت‌بخش به اعضای خود (کد ۱۶)	هویت‌بخشی به جامعه دانشگاهیان	۵
	فرهنگ دانشگاهی در جامعه‌پذیری دانشگاهیان (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی عامل جامعه‌پذیری دانشجویان (کد ۴)/ تأثیر فرهنگ دانشگاهی بر جامعه‌پذیری (کد ۸)/ فرهنگ دانشگاهی متأثر از شیوه زیستی دانشجویان (کد ۱۰)/ جامعه‌پذیری فرهنگ دانشگاهی دربردارنده تعامل با دیگران، حس یگانگی با چشم‌داشت گروه همتایان (کد ۹)	جامعه‌پذیری دانشگاهیان	۵
	فرهنگ دانشگاهی مقوله چندبعدی (کد ۱)/ فرهنگ دانشگاهی، فرهنگی مستقل و مجزا (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی دارای ماهیت مستقل (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی تقلیدی نیست (کد ۲)	چندبعدی بودن فرهنگ دانشگاهی	۴
	فرهنگ دانشگاهی متشکل از نظامی از باورها و انتظارات اعضای دانشگاهی (کد ۲)/ هر دانشگاهی هنجارهای متناسب با خود را داراست (کد ۲)/ تأثیرپذیری هنجارهای فرهنگ دانشگاهی از ساختار حاکم بر دانشگاه (کد ۱)/ تأثیر فرهنگ دانشگاهی بر انسجام ارزش‌ها و باورهای اعضا (کد ۱۱)/ مدیریت معانی و مدیریت انسجام اجتماعی دو ابزار حیاتی در مدیریت فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۱)	هنجارها	۵
	گوناگونی فرهنگ دانشگاهی (کد ۲)/ تنوع مقولات فرهنگی دانشگاه (کد ۱۱)/ گوناگونی مطالعات فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۱)/ تنوع فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۹)/ فرهنگ دانشگاهی دارای چارچوب‌های مشخص (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی دربردارنده قوانین نانوشته (کد ۲)	کثرت فرهنگ دانشگاهی	۶
	فرهنگ دانشگاهی دارای چارچوب‌های مشخص (کد ۲)/ فرهنگ دانشگاهی دربردارنده قوانین نانوشته (کد ۲) متفاوت بودن نحوه انتقال فرهنگ دانشگاهی در جوامع مختلف (کد ۲)/ فرهنگ آموزش عالی عاملی برای بازتولید فرهنگی و انتقال‌دهنده میراث و ارزش‌های گذشته (کد ۳)/ دانشگاه به عنوان نهادی فرهنگ‌ساز (کد ۱۱)/ پذیرش فرهنگ دانشگاهی به شکل تدریجی (کد ۵)/ آموزش عالی تسهیل‌کننده بازآفرینی فرهنگی جامعه (کد ۳)	قاعده‌مندی بازتولید فرهنگی	۵
	فرهنگ دانشگاهی ابزاری جهت متناسب‌سازی شرایط و مقتضیات ارزش‌های حرفه‌ای و رشته‌های دانشگاهی (کد ۲)/ گوناگونی فرهنگ‌های رشته‌ای (کد ۲)/ گوناگونی ماهیتی و شناختی فرهنگ رشته‌های تحصیلی (کد ۴)/ پذیرش دانشجویان جدید با توسل به فرهنگ دانشگاهی (کد ۴)/ فرهنگ دانشگاهی مستلزم استقرار سیستم پاداش‌دهی (کد ۵)/ فرهنگ دانشگاهی مستلزم ارزیابی (کد ۵)/ نقش فرهنگ دانشگاهی در ساختار برنامه‌درسی و استانداردهای دانشگاهی (کد ۸)/ فرهنگ دانشگاهی به عنوان عنصر جامعه‌ساز (کد ۱۱)/ فرهنگ دانشگاهی در ارتباط با اندازه و موقعیت فیزیکی (کد ۸)	نظام پاداشی و یادگیری	۱۲

	تأثیرپذیری سیاست‌های آموزشی از فرهنگ (کد ۳) / توده‌ای شدن آموزش عالی مرتبط با فرهنگ دانشگاهی (۱۲) / گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات مرتبط با فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۲)		
	متفاوت بودن سبک‌های آموزشی و یادگیری در فرهنگ دانشگاهی (کد ۲) / آموخته‌های دانشگاهیان متأثر از فرهنگ دانشگاهی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی ابزاری برای بهبود عملکرد دانشجویان (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی اثرگذار بر کیفیت آموزش (کد ۵) / اثر فرهنگ دانشگاهی در تشویق دانشجویان به یادگیری مادام‌العمر (کد ۵) / یادگیری محتوایی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۰) / الزام تناسب بین فرهنگ دانشگاه و نیازهای یادگیری دانشجویان (کد ۴) / نقش فرهنگ دانشگاهی در نقد استراتژی‌های آموزشی (کد ۱۰)	کیفیت آموزش	۸
	ارتباط فرهنگ دانشگاهی با استقلال و آزادی آکادمیک (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی توأم با روحیه انتقادی و پرسش‌گری (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی در ارتباط با شایسته‌سالاری دانشگاهی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی دربرگیرنده استقلال و آزادی آکادمیک (کد ۵) / تلاش فرهنگ دانشگاهی برای فهم و آزادی آکادمیک و استقلال فردی (کد ۸) / فلسفه فرهنگ دانشگاهی جستجوی بی‌طرفانه حقیقت، وفاداری به آن (کد ۶)	استقلال و آزادی علمی	۶
	هم‌زیستی فرهنگ دانشگاهی و اخلاق علمی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده رعایت انصاف و توجه به حقوق دیگران (کد ۵) / اخلاقیات، روحیات و هنجارهای درونی جامعه دانشگاهیان تعیین‌کننده فرهنگ دانشگاهی (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده اخلاق حرفه‌ای (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده اخلاق در محیط‌های دانشگاهی (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده صداقت فکری، امانت‌داری، بی‌طرفی (کد ۸)	هم‌زیستی با اخلاق علمی	۶
	فرهنگ دانشگاه از عوامل کلیدی موفقیت دانشگاه‌ها (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی کمک‌کننده به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دانشگاهی (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی تعیین‌کننده اثربخشی عملکرد دانشگاه (کد ۴) / پیوند قوی بین فرهنگ دانشگاهی و توسعه دانشگاهی (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی به عنوان نقشه راه دانشگاه‌ها (کد ۴) / هم‌راستای فرهنگ و رسالت دانشگاه‌ها (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی شامل چشم‌انداز دانشگاهی (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده شور و نشاط دانشگاهی (کد ۵) / ارتباط فرهنگ دانشگاه با رسالت دانشگاه (کد ۸) / تعامل فرهنگ دانشگاهی و رهبری در دانشگاه (کد ۸) / تأثیر فرهنگ دانشگاه در رسالت و هدف‌های دانشگاه (کد ۸) / فرهنگ دانشگاهی در پیوند با ساختار حکمرانی و سبک رهبری مدیران دانشگاهی (کد ۸)	حکمرانی دانشگاهی	۱۲
	فرهنگ دانشگاهی دربردارنده هنجارهای علمی (کد ۲) / هنجارهای علمی پیونددهنده فرهنگ دانشگاهی با تولیدات علمی (کد ۲) / هنجارهای علمی بخشی از فرهنگ دانشگاهی (کد ۶) / فرهنگ دانشگاهی پایبند به هنجارهای علمی (کد ۲) / علم منبع اصلی تغذیه فرهنگ آموزش عالی (کد ۴)	هنجارهای علمی	۵
	فرهنگ دانشگاهی ابزاری جهت حل بحران‌های علم (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی پیونددهنده نهادهای علمی و اجتماعی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی دربردارنده تجربیات علمی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی بستر ساز رشد و توسعه علمی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی پیش شرط توسعه علم (کد ۸) / فرهنگ دانشگاهی مشوق رشد علمی جامعه دانشگاهیان (کد ۲) / مطالعه فرهنگ دانشگاه ریشه در ماهیت علم (کد ۱۱) / ارتباط ایده علمی و فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۹)	علمی - معرفتی	۸
	فرهنگ دانشگاهی ابزاری جهت نوآوری (کد ۱) / فرهنگ دانشگاه منشأ نوآوری (کد ۲)	نوآوری و ارزش‌آفرینی	۲
	فرهنگ دانشگاهی متأثر از ساختار سیاسی (کد ۲) / فرهنگ‌های دانشگاهی متفاوت و متأثر از ساختار (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی متأثر از ساختار و روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی متأثر از الگوهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه (کد ۴) / فرهنگ دانشگاهی متناسب با سبک فکری هر جامعه (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی متأثر از جو گروه‌های آموزشی دانشگاه (کد ۲)	صورت‌پذیری فرهنگ دانشگاهی ساختاری	۶
	فرهنگ دانشگاهی متأثر از فرهنگ جامعه (کد ۲) / فرهنگ دانشگاهی شامل عادات اجتماعی متناسب با جامعه (کد ۲) / فرهنگ دانشگاه متأثر از فرهنگ جامعه (کد ۵) / فرهنگ دانشگاهی شامل خرده فرهنگ‌های دانشجویی (کد ۱۶) / فرهنگ	تعامل خرده‌فرهنگ‌ها	۸

	دانشگاهی اثرگذار بر ارکان مختلف (زندگی دانشجویی، مسائل درونی، برنامه‌درسی) (کد ۴) // فرهنگ دانشگاهی متأثر از خرده سیستم‌ها (نهادهای علمی، رسانه‌ها، خانواده و محیط‌های اجتماعی) (کد ۲) // وجود پیوند ناگسستنی میان دانشگاه و نهادهای اجتماعی دیگر (کد ۲) // فرهنگ دانشگاهی در ارتباط با سه خرده فرهنگ علمی، فرهنگ استادان و دانشجویان (کد ۱۹)		
۶	فرهنگ دانشگاهی ابزاری برای حل مسائل و تطابق با محیط خارجی (کد ۴) // فرهنگ دانشگاهی، پویا؛ قابل یادگیری و انتقال است (کد ۵) // تعامل فرهنگ دانشگاهی و محیط (کد ۸) // فرهنگ دانشگاهی انعطاف‌پذیر (کد ۱۰) // فرهنگ دانشگاهی عاملی در جهت ثبات و تغییر (کد ۱۹) // سیال بودن فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۹)	انطباق با پیچیدگی محیطی	
۱۰	فرهنگ دانشگاهی در کنش‌ها و گفتگوهای افراد معنا می‌یابد (کد ۲) // فرهنگ دانشگاه توأم با کار جمعی (کد ۲) // فرهنگ دانشگاهی بستر ساز رشد جمعی اعضای دانشگاهی (کد ۲) // معنایابی فرهنگ دانشگاهی در تعامل اعضا و گروه‌های آموزشی (کد ۸) // فرهنگ دانشگاهی شامل ارتباطات، کار جمعی و گروهی (کد ۵) // فرهنگ دانشگاهی اشاره به شیوه برقراری ارتباط و تعامل اعضا (کد ۸) // فرهنگ دانشگاهی و کار جمعی و تعهد به خلق دانش (کد ۸) // فرهنگ دانشگاهی پیوند اجزا (کد ۱۸) // تعاملات جامعه دانشگاهی متأثر از فرهنگ دانشگاهی (کد ۹) // فرهنگ دانشگاهی منجر به اشتراک تجارب اعضا در همکاری (کد ۲) // فرهنگ دانشگاهی دربردارنده الگوهایی برای روابط درونی بین افراد (کد ۴)	مشارکت اعضا	
۵	فرهنگ دانشگاهی جهت‌دهنده و معنابخش به کار اعضا (کد ۱) // فرهنگ دانشگاهی تعیین‌کننده شیوه عمل افراد (کد ۲) // فرهنگ دانشگاهی تعیین‌کننده نقش و جایگاه جامعه دانشگاهی (کد ۲) // فرهنگ دانشگاهی پیونددهنده اعضای خود (کد ۵) // فرهنگ دانشگاهی بیانگر جایگاه و نقش اعضا (کد ۱۰)	جهت‌دهنده به کار اعضا	
۳	فرهنگ دانشگاهی ابزار برقراری ارتباط جامعه دانشگاهی با بکدیگر (کد ۲) // هویت دانشگاهی در برگزیده اشتراکات جهانی (کد ۲) // اثرگذاری اعضای هیئت علمی بر فرهنگ دانشگاه از طریق مراودات علمی (کد ۱۲)	تعاملات فرادانشگاهی	کنش‌گری
۲	فرهنگ دانشگاهی شامل ویژگی‌های استاد و دانشجو (کد ۸) // فرهنگ دانشگاهی دربردارنده روابط استاد و دانشجو (کد ۸)	روابط دانشگاهیان	
۲	فرهنگ دانشگاهی ابزار تسهیم‌سازی دانش در بین کنش‌گران علم (کد ۵) // فرهنگ دانشگاهی شامل یادگیری دانش و مهارت‌های لازم برای عملکرد حرفه‌ای (کد ۹)	تسهیم دانش اعضا	
۲	فرهنگ دانشگاهی شامل: تعهد، نوع دوستی، اعتماد، همکاری و همبستگی (کد ۹) // فرهنگ دانشگاهی مستلزم اعتماد میان اعضا (کد ۵)	اعتماد دانشگاهی	
۵	فرهنگ آموزش عالی ابزاری برای تحول در نگرش افراد دانشگاهی (کد ۳) // خصیصه فردی وجه کلیدی فرهنگ دانشگاهی (کد ۱۰) // تمرکز فرهنگ دانشگاهی بر ویژگی‌های فردی برای ساختن فرهنگ رشته‌ای بین‌المللی (کد ۴) // مطالعه فرهنگ دانشگاهی با تمرکز بر اجتماعات شغلی و محافل حرفه‌ای اعضای هیئت علمی (کد ۱۱) // نقش فرهنگ دانشگاهی در توسعه مفهوم من اجتماعی (کد ۵)	رشد حرفه‌ای	

نگاره ۳ درصد هر یک از مضامین سازمان‌دهنده به دست آمده در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.



نگاره ۳. نمودار درصدی یافته‌های پژوهش

همان گونه که از نمودار ۳ پیداست در رتبه‌بندی مفاهیم هفت‌گانه پیش سازمان‌دهنده سطح اول، در رتبه نخست مقوله آکادمیک با ۲۸ درصد جای دارد، که نشان از تأثیرپذیری فرهنگ دانشگاهی از آن دارد. پس از آن، کنش‌گری با ۱۸ درصد اثرگذاری جای دارد. کنش‌گری نیز بر پایه روابط و تعاملات دانشگاهیان است که از بافتار و فرهنگ خاص هر دانشگاه نشئت می‌گیرد. دیگر مقولات پیش سازمان‌دهنده به تناسب فراوانی تکرار نگارندگان مقالات در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بعد از این مرحله، به ترسیم شبکه مضامین در سه محور اصلی، مضمون فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده سطح اول و دوم و مضامین پایه پرداخته شد که نتایج آن در نگاره ۴ آورده شده است.



نگاره ۴: مدل شبکه مضامین برآمده از یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ دانشگاهی در برگیرنده معنا و مؤلفه‌های مختلفی است، و رسیدن به اجماع در مؤلفه‌های آن نیازمند دید کل‌نگر و جامع‌گرا است. چراکه فرهنگ دانشگاهی یکی از بنیان‌های توسعه علمی کشور است، و حل بحران تولید علم نیز مستلزم شناخت فرهنگ یادگیری، فرهنگ آموزش، فرهنگ سازمانی و مدیریت، فرهنگ رشته‌ای و دیگر خرده فرهنگ‌های درون دانشگاه است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان و ویژه، فضای نمادین، آیین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نمادهای خاص، عینیت و تبلور می‌یابد، و مهم‌ترین کارکرد آن تعیین و ایجاد نوع خاص هویت برای انسان دانشگاهی است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر که ارائه‌دهنده مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ دانشگاهی در آموزش عالی است، بیانگر این است که فرهنگ دانشگاهی مفهومی سیال و بسیار متنوع است، و توجه به آن نیازمند توجه به تمامی عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن است. این مؤلفه‌ها با واکاوی ۲۰ پژوهش انجام شده در داخل کشور در ۲۹ دسته مضامین سازمان‌یافته سطح دوم و ۷ دسته مضامین سازمان‌یافته دسته اول تقسیم‌بندی شدند: عناصر سمبولیک (ارزش‌های دانشگاهی، آداب و رسوم، نمادهای دانشگاهی) همسو با ادبیات نظری و پژوهش‌های محمدی، ناصری جهرمی و شهرکی (۱۳۹۳)، فاضلی (۱۳۸۲)، صحبت‌لو و میرزامحمدی (۱۳۸۸)، لایقی و نوه ابراهیم (۱۳۹۱)، امیری و همکاران (۱۳۸۹) است. هویت‌بخشی (هویت‌بخشی به دانشگاه، هویت‌بخشی به جامعه دانشگاهی، جامعه‌پذیری دانشگاهیان) با پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، فاضلی (۱۳۸۲)، امین‌مظفری و همکاران (۱۳۹۳)،

ابراهیمی، عدلی و مهران (۱۳۹۴)، مهدیه و همکاران (۱۳۹۵)، ذوالفقارزاده و همکاران (۱۳۹۰) همسویی دارد. مضامین سازمان‌دهنده وجودی (هنجارهای دانشگاهی، چند بعدی بودن فرهنگ دانشگاهی، کثرت فرهنگ دانشگاهی، قاعده‌مندی فرهنگ دانشگاهی، بازتولید فرهنگی) با پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، فاضلی (۱۳۸۲)، صحبت‌لو و میرزاحمدی (۱۳۸۸)، ممنون و همکاران (۱۳۹۶)، امیری و همکاران (۱۳۸۹)، ذاکر صالحی (۱۳۹۷) دارای همسویی است. مضمون آکادمیک (نظام یاددهی و یادگیری، کیفیت آموزش، استقلال و آزادی علمی، هم‌زیستی با اخلاق علمی، حکمرانی دانشگاهی) همسویی با پژوهش‌های فاضلی (۱۳۸۲)، صحبت‌لو و میرزاحمدی (۱۳۸۸)، ممنون و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، صمدی و تمنا (۱۳۹۴)، امیری و همکاران (۱۳۸۹)، قانع‌راد، ملکی و محمدی (۱۳۹۳) دارد. مضمون سازمان‌دهنده سطح اول، علمی- معرفتی (هنجارهای علمی، توسعه علم، نوآوری و ارزش‌آفرینی) با پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، فاضلی (۱۳۸۲)، امین‌مظفری و همکاران (۱۳۹۳)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، امیری و همکاران (۱۳۸۹)، ذاکر صالحی (۱۳۹۷) همسویی دارد. مضمون ساختاری (صورت‌پذیری فرهنگ دانشگاهی، تعامل خرده‌فرهنگ‌ها، انطباق با پیچیدگی‌های محیطی) نیز با پژوهش‌های فاضلی (۱۳۸۲)، امین‌مظفری و همکاران (۱۳۹۳)، ممنون و همکاران (۱۳۹۶)، مهدیه و همکاران (۱۳۹۵)، ذاکر صالحی (۱۳۹۷)، صمدی و تمنا (۱۳۹۴) دارای همسویی است، و آخرین مضمون سازمان‌دهنده کنش‌گری (جهت‌دهنده به کار جامعه دانشگاهی، مشارکت و هم‌کنشی اعضا، تعاملات فرادانشگاهی، تسهیم دانش، روابط دانشگاهیان، اعتماد دانشگاهی، رشد حرفه‌ای) نیز با پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، فاضلی (۱۳۸۲)، امین‌مظفری و همکاران (۱۳۹۳)، صحبت‌لو و میرزاحمدی (۱۳۸۸)، ممنون و همکاران (۱۳۹۶)، صمدی و تمنا (۱۳۹۴)، مهدیه و همکاران (۱۳۹۵)، امیری و همکاران (۱۳۸۹)، قانع‌راد و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارد.

فرآیند مطالعه اکتشافی حاضر نشان داد فرهنگ دانشگاهی بر هفت ستون پایدار تکیه زده است. هرچند میزان تأکید مؤلفان بر هر ستون برابر نیست، اما هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی ناگزیر باید به همه این ارکان را هم‌زمان توجه خود قرار دهد. بر اساس جدول ۳ در بازنمایی روندهای جهانی مطالعات حوزه فرهنگ دانشگاهی در کشورهای مختلف تلقی‌ها و برداشت‌ها از فرهنگ دانشگاهی گوناگون بود. این برداشت‌ها را می‌توان در پنج دسته جای داد. در برداشت دسته اول، در کشورهای فنلاند، آمریکا و انگلیس فرهنگ دانشگاهی به مثابه نوعی فرهنگ سازمانی در نظر گرفته شده است. در برداشت دوم، در کشورهای نظیر پرتغال و فنلاند تلقی از فرهنگ دانشگاهی در چارچوب

جهانی شدن و رقابت است. در برداشت سوم، فرهنگ دانشگاهی در آمریکا به عنوان فرهنگ رشته‌ای بیان شده بود. در برداشت چهارم، فرهنگ دانشگاهی به مثابه هنجارهای علم در کشورهای فنلاند و انگلستان در نظر گرفته شده است. در آخرین برداشت، فرهنگ دانشگاهی در کشورهای سوئیس و فرانسه به عنوان هویت‌های دانشگاهی تعبیر شده بود. بر اساس این دسته‌بندی برداشت‌ها، در مطالعات ایرانی گرایش‌های موردی مطالعات بیشتر به سمت فرهنگ به مثابه هویت اجتماعی، هم‌چنین فرهنگ سازمانی است. دیگر برداشت‌ها از فرهنگ دانشگاهی همچون هنجارهای علم و جهانی شدن و رقابت در مطالعات داخلی مغفول مانده است که می‌تواند در پژوهش‌های آینده لحاظ شود. جهانی شدن کلید واژه اساسی است که بر فرهنگ دانشگاهی تأثیر می‌گذارد. شناخت این پدیده مستلزم تفکیک جهانی شدن از جهانی سازی آموزش عالی است، که هر پارادایم اثری متفاوت بر بستر فرهنگی دانشگاهی و چگونگی آموزش و یادگیری آن‌ها می‌گذارد. در پارادایم جهانی سازی که بر مبنای رویکرد نولیبرال استوار است نوعی استحاله و دگرگون‌سازی فرهنگ دانشگاه‌هاست، که با ارزش‌های بازاری درآمیخته شده است، و بر چگونگی فرایند آموزش و یادگیری دانشگاه‌ها با کارکرد بازارگرایانه در بستر فرهنگی اثر می‌گذارد. در این پارادایم، آموزش به عنوان کالایی محسوب می‌شود که قابل عرضه و فروش در بازار باشد. به تبع این نگاه یادگیری نیز دستخوش تغییر می‌شود. اما در نقطه مقابل آن جهانی شدن، بر هم‌کنشی جمعی و همکاری دولت-ملت‌ها تأکید دارد، و این دیدگاه را به بستر فرهنگی دانشگاه تسری می‌بخشد، و آموزش و یادگیری نیز بر پایه این نگاه شکل می‌گیرند. در این رویکرد با افزایش همکاری‌ها و تبادلات علمی، آموزش به شکل جمعی و با پرورش شهروند مسئولیت‌پذیر جهانی عرضه می‌شود. بنابراین، تفاوت ماهوی زیادی از حیث فرهنگ آموزش و یادگیری در هر نقطه نظر وجود دارد.

محدودیت‌های پژوهش: تحقیق از نوع کیفی است و به دلیل ماهیت این‌گونه تحقیقات، قابلیت تعمیم‌پذیری اندکی دارد. مسئله فرهنگ دانشگاهی در ایران تنها در دو دهه اخیر در کشور مطرح شده، و از بلوغ و گستردگی چندانی برخوردار نیست. این محدودیت منابع خواه و ناخواه در روند فراترکیب حاضر تأثیر می‌گذارد. دیگر محدودیت مربوط به ابزار گردآوری داده‌ها و فقدان استفاده از مصاحبه و مشاهده است. مطالعه حاضر تلاش کرد در سطح کلان، مؤلفه‌ها را استخراج و چارچوب مفهومی تفصیلی تری ارائه کند. شایسته است پژوهشگران بعدی وضعیت و نوع تأثیر هر مؤلفه را به صورت جزئی واکاوی کنند.

منابع

الف. فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۵۷). *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ابراهیمی، روناک، عدلی، فریبا و مهران، گلنار (۱۳۹۴). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۱ (۱)، ۱۵۱-۱۲۷.
- احمدی، غلامعلی، پسندیده، جواد و دهقان‌زاده، احد (۱۳۹۵). فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران. *نشریه نما*، ۷ (۱)، ۳۲-۲۴.
- امیری، علی نقی، زارعی متین، حسن و ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۸۹). پیچیدگی‌های فرهنگ و گونه‌شناسی مطالعات آن در آموزش عالی. *راهبرد فرهنگ*، ۳ (۱۱)، ۴۰-۷.
- امین‌مظفری، فاروق، عباس‌زاده، محمد و رضایی فرهادآباد، رجب (۱۳۹۳). بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در تبریز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۴)، ۲۴-۱.
- خان‌محمدی، هادی، واعظی، رضا و دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۹۳). الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج‌البلاغه. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۲ (۳)، ۴۸-۲۵.
- ذاکرسالحی، غلامرضا (۱۳۹۶). دانشگاه ایرانی و مناقشه هویتی کارکردی: در جستجوی الگوی گم شده. *فصلنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۷ (۱)، ۶۶-۲۷.
- ذاکرسالحی، غلامرضا (۱۳۹۷). *مسائل آموزش عالی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکرسالحی، غلامرضا و نظریان، زهرا (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱ (۳)، ۶۹-۳۳.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی، امیری، علی‌نقی و زارعی متین، حسن (۱۳۹۰). کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۱)، ۹۷-۴۵.
- صحبت‌لو، علی و میرزامحمدی، محمدحسن (۱۳۸۸). جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲ (۴۲)، ۴۷.
- صمدی، سمیه و تمنا، سعید (۱۳۹۴). رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی. *فصلنامه مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲ (۱)، ۱۲۶-۹۹.

عابدجعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد (۱۳۸۹). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا. *نامه انسان‌شناسی*، ۱ (۳)، ۱۲۳-۹۳.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *فرهنگ و دانشگاه*. تهران: نشر ثالث.

قانع‌راد، محمدمین، ملکی، امیر و محمدی، زهرا (۱۳۹۳). مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵ (۱)، ۶۴-۳۰.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۴ (۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

لایقی، میترا و نوه ابراهیم، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی رابطه فرهنگ دانشگاهی با هویت دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۳ (۴)، ۲۱-۹.

محمدی، محمد، ناصری جهرمی، رضا و شهرکی، هاجر (۱۳۹۳). ارائه یک مدل توضیحی از درک دانشجویان از انواع فرهنگ‌های دانشگاهی با ارزیابی آن‌ها در مورد عناصر و فرآیندهای مدیریت دانش اعضای هیئت علمی دانشگاه شیراز. *مجله پژوهش در علوم انسانی*، ۲ (۲)، ۷۲-۵۳.

ممنون، مینا، عدلی، فریبا و صمدی، پروین (۱۳۹۶). نقش فرهنگ دانشگاهی بر سهیم‌سازی دانش بین اعضای هیئت علمی مطالعه موردی دانشگاه الزهراء. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۳ (۱)، ۵۰-۲۹.

مهدیه، عارفه، همتی، رضا و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۹۵). فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری: مورد مطالعه دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲ (۱)، ۷۳-۴۵.

نش، کیت (۱۳۸۳ / ۱۹۵۸). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*. ترجمه محمدتقی دل‌فروز. تهران: انتشارات کویر.

نصیری، حسین، یمنی‌دوزی سرخابی، محمد و حقانی، محمود (۱۳۹۷). تحلیل اثر ادغام در آموزش عالی بر فرهنگ دانشگاهی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۴ (۲)، ۱۳۴-۱۰۹.

یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

یاسپرس، کارل (۱۳۹۴ / ۱۹۶۰). *ایده دانشگاه*، ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا. تهران: ققنوس.

- Adams, G. R., Ryan, B. A., & Keating, L. (2000). Family relationships, academic environments, and psychosocial development during the university experience: A longitudinal investigation. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 99-122.
- Alvaredo, F., Chancel, L., Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (Eds.). (2018). *World inequality report 2018*. Belknap Press.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235-247.
- Bezanilla, M. J., Fernández-Nogueira, D., Poblete, M., & Galindo-Domínguez, H. (2019). Methodologies for teaching-learning critical thinking in higher education: The teacher's view. *Thinking Skills and Creativity*, 33
- Crenshaw, P., Hale, E., & Harper, S. L. (2011). Producing intellectual labor in the classroom: The utilization of a critical thinking model to help students take command of their thinking. *Journal of College Teaching & Learning (TLC)*, 8(7), 13-26.
- Da Wan, C., Chapman, D. W., Zain, A. N. M., Hutcheson, S., Lee, M., & Austin, A. E. (2015). Academic culture in Malaysia: Sources of satisfaction and frustration. *Asia Pacific Education Review*, 16(4), 517-526.
- Eichengreen, B., Park, D., & Shin, K. (2013). *Growth slowdowns redux: New evidence on the middle-income trap* (No. w18673). National Bureau of Economic Research.
- Galtung, J. (1981). Structure, culture, and intellectual style: An essay comparing saxon, Teutonic, Gallic and nipponic approaches. *Information (International Social Science Council)*, 20(6), 817-856.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory* (pp. 1-19). London: Weidenfield & Nicolson.
- Igo, T., & Skitmore, M. (2006). Diagnosing the organizational culture of an Australian engineering consultancy using the competing values framework. *Construction Innovation*, 6(2), 121-139.
- Lacatus, M. L. (2013). Organizational culture in contemporary university. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 421-425.
- López, M., Jiménez, J. M., Martín-Gil, B., Fernández-Castro, M., Cao, M. J., Frutos, M., & Castro, M. J. (2019). The impact of an educational intervention on nursing students' critical thinking skills: A quasi-experimental study. *Nurse Education Today*, 85, 1-6.

- Lu, M., & Zhang, X. (2019). Towards an intelligent country: China's higher education expansion and rural children's senior high school participation. *Economic Systems*, 43(2), 1-1.
- Mendoza, P., & Berger, J. B. (2008). Academic capitalism and academic culture: A case study. *Education Policy Analysis Archives*, 16(23), 1-27.
- Moore, T. (2013). Critical thinking: Seven definitions in search of a concept. *Studies in Higher Education*, 38(4), 506-522.
- Naoreen, B., & Adeeb, M. A. (2014). Investigating academic research culture in public sector universities of Pakistan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 3010-3015.
- Parker, L. D., & Roffey, B. H. (1997). Back to the drawing board: revisiting grounded theory and the everyday accountant's and manager's reality. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 10(2), 212-247.
- Pielmus, C. (2016). An overview of academic Culturi. A study on law enforcement education. *Land Forces Academy Review*, 21(3), 220-229.
- Pogodaeva, T., Zhaparova, D., & Efremova, I. (2015). Changing role of the university in innovation development: New challenges for Russian regions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 214, 359-367.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer publishing company.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology: An overview. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (p. 273-285). Sage Publications, Inc.
- Tierney, W. G., & Sabharwal, N. S. (2017). Academic corruption: Culture and trust in Indian higher education. *International Journal of Educational Development*, 55, 30-40.
- Tsiring, D., & Sizova, Y. (2018). The peculiarities of the adherence and identification as components of the organizational culture of modern university. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 238, 665-669.
- Välilmaa, J., & Ylijoki, O. H. (2008). *Cultural perspectives on higher education*. New York: Springer.
- Vargas, V. R., Lawthom, R., Prowse, A., Randles, S., & Tzoulas, K. (2019). Sustainable development stakeholder networks for organisational change in higher education institutions: A case study from the UK. *Journal of Cleaner Production*, 208, 470-478.
- Wallace, G. (2000). *The role and impact of corporate universities in the third millennium* (pp. 58-77). London: Falmer Press.

English Abstract

Dissect of the Components of Culture in the Field of Academic Teaching and Learning

Ahmad Keykha¹

Gholamreza ZakerSalehi²

The aim of this study was to dissect the components of culture in the field of academic education and learning. Academic culture is a fluid, multidimensional concept, the understanding of which requires a holistic approach. This qualitative research was developed using the meta-analysis technique in general, and Sandeloski and Barroso' 7-step strategy in particular. The findings were extracted and categorized through content analysis technique. A total of 156 basic themes were extracted and then classified into 29 categories of second level organizing themes. In the next step, the 29 categories of second level organizing themes were combined into seven categories: 1) Symbolic components (values, customs, symbols); 2) Identification (giving identity to the university, giving identity to the academic community, academic socialization); 3) Existentialism (multidimensionality of academic culture, norms, plurality of academic culture, regularity, cultural reproduction); 4) Academy (system of teaching and learning, quality of education, autonomy and scientific freedom, coexistence with scientific ethics, academic governance); 5) Scientific-epistemology (scientific norms, development of science, innovation and value creation); 6) structure (structure of academic culture, interaction of subcultures, adaptation to environmental complexity); and 7) proactivity (participation of members, directing the work of members, extramural interactions, academic relations, sharing members' knowledge, academic trust, professional growth). Eventually, the network themes were extracted and drawn. Through the process of this exploratory study, it was found that academic culture relies on seven stable pillars. Although the authors' emphasis on each pillar is not equal, any cultural policy must simultaneously take all of these elements into account.

Keywords: academic culture, content analysis, higher education, meta-synthesis, university

¹ PhD student in Higher Education, University of Tehran, Iran. Email: ahmadkeykha@ut.ac.ir

² Associate Professor, Institute of Higher Education Research and Planning, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: Zakersalehi@irphe.ac.ir